

## **An Introduction to the Necessity of Islamic Futures Studies and Its Levels with a Focus on Nahj al-Balagha**

Amir Rezagholi<sup>1</sup>

**Received: 04-06-2024**

**Accepted: 26-08-2024**

### **Abstract**

Futures studies, as an emerging field of knowledge, addresses the future of societies. This knowledge seeks to identify, invent, present, test, and evaluate possible and probable futures in order to choose the preferred future based on the values of society and help in building the most optimal future. Islamic futures studies follow the same goal, centered around Islamic teachings. Islamic texts, particularly books like the Holy Quran and Nahj al-Balagha, discuss various types of desirable and undesirable futures, detailing the preferred future and explaining how to achieve the desired future while avoiding the undesirable one. In this paper, written using a documentary and analytical-descriptive method, the future is examined from the perspective of Nahj al-Balagha. In Nahj al-Balagha, the future is divided into two types: deterministic (certain) future and non-deterministic (uncertain) future. The deterministic future includes the Resurrection, the Return (Raj'ah), the return of the righteous, and the appearance of the Savior. It is beyond the control, planning, and choice of individuals and societies; however, it cannot be excluded from futures studies because individuals and societies have the freedom to choose how to confront these inevitable futures. Planning for how to achieve the desirable deterministic futures is part of this knowledge. Non-deterministic futures, which are further divided into divinely hidden non-deterministic futures and rational-pragmatic non-deterministic futures, refer to futures shaped by human intervention, choice, and planning, and there is no doubt that futures studies apply to them. In Nahj al-Balagha, Imam Ali (AS) refers to all the types of futures mentioned above.

**Keywords:** Futures studies, Nahj al-Balagheh, Levels of future studies, Deterministic future, non-deterministic future.

---

1. PhD Student in Sciences and Teachings of Nahj al-Balagha, Faculty of Sciences and Hadith, University of the Quran and Hadith, Qom, Iran jangenarm123@gmail.com

## درآمدی بر ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی و توجه به سطوح آن با تمرکز بر نهج‌البلاغه

امیر رضاقلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

### چکیده

آینده‌پژوهی در جایگاه دانشی نوپدید به موضوع آینده جوامع می‌پردازد. این دانش در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند. آینده‌پژوهی اسلامی نیز همین آرمان را بر محور آموزه‌های اسلامی دنبال می‌کند. متون اسلامی به‌ویژه کتاب‌هایی چون قرآن کریم و نهج‌البلاغه از انواع آینده مطلوب و نامطلوب سخن گفته و آن را به‌عنوان آینده مرجح تفصیلاً معرفی و شیوه دستیابی به آینده مطلوب و پرهیز از آینده نامطلوب را بیان نموده است. در این نوشتار که به روش اسنادی و تحلیل-توصیفی نگاشته شده، آینده از منظر نهج‌البلاغه مورد توجه بوده است. آینده در نهج‌البلاغه، به دو گونه آینده محتوم (قطعی) و آینده غیرمحتوم (غیرقطعی) تقسیم می‌شود. آینده محتوم شامل رستاخیز، رجعت و بازگشت نیکان و ظهور منجی شده و از عهده تصرف، برنامه‌ریزی و اختیار انسان‌ها و جوامع خارج است؛ اما نمی‌توان آن را از دانش آینده‌پژوهی بیرون دانست؛ زیرا افراد و جوامع در شیوه رویارویی با آینده‌های محتوم، مختار هستند و برنامه‌ریزی معطوف به چگونگی رسیدن به آینده‌های محتوم مطلوب جزئی از این دانش خواهد بود. آینده‌های غیرمحتوم که خود به دو گونه آینده‌های غیرمحتوم غیبی و آینده‌های غیرمحتوم عقلانی-عقلانی تقسیم می‌گردد، سخن از آینده‌هایی دارد که با تصرف، اختیار و برنامه‌ریزی انسان ساخته می‌شود و تردیدی در شمولیت دانش آینده‌پژوهی نسبت به آن نیست. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه به همه گونه‌های آینده‌های فوق اشاره داشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** آینده‌پژوهی، نهج‌البلاغه، سطوح آینده‌پژوهی، آینده محتوم، آینده غیرمحتوم.

۱. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشکده علوم و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

## مقدمه

امروزه آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> به‌مثابه دانشی نوپا اما مهم، به یک ضرورت مدیریتی در عرصه حکمرانی بدل گشته است. همگان به نیکی اذعان دارند که بدون برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه نمی‌توان جوامع را مدیریت نموده و آنها را به‌سوی آرمان مطلوب خود حرکت داد؛ زیرا عرصه حکمرانی، پیوسته در حال دگرگونی و تحوّل است و حکومت‌ها و جوامع نیز نسبت به یکدیگر در خلأ نبوده و برهم تأثیر و تأثر دارند. بر این اساس، ضروری می‌نماید دانش آینده‌پژوهی مورد توجه قرار گیرد.

آنچه روشن است تفاوت میان مبانی دانش‌های مدرن و نوپدید با مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پیروان دین اسلام است؛ جوئینگ جین<sup>۲</sup> در کتاب تحول جهانی فناوری، تصریح نموده علوم و فناوری‌های نرم، «بی‌طرف» نیستند؛ زیرا به بافتارهای فرهنگی وابسته‌اند. او علوم و فناوری‌های نرم را مزیت رقابتی جوامع و سازمان‌ها در آینده معرفی می‌کند (جین، ۱۳۸۷، ص. ۲۷).

بنابراین آینده‌پژوهی در جوامع غیرغربی نمی‌تواند کارساز باشد؛ زیرا طرفدار غرب است. جهان‌بینی غربی در آینده‌پژوهی موج می‌زند و حتی این مسئله اعتراضات زیادی را نیز به‌همراه داشته است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۲-۹۱). این امر ضرورت بازپرداخت و نوسازی این دانش را متناسب با مبانی اسلامی روشن می‌نماید و باید اضافه نمود موفقیت آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی نوپا در ایران، وابسته به بومی‌سازی آن براساس مبانی فکری و باورهای حاکم بر جامعه و طراحی الگویی اسلامی و دینی از آن می‌باشد (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۱).

سخن در اینجاست:

آیا متون اسلامی در زمینه آینده‌پژوهی رهنمودی دارند؟ سپس در صورت دستیابی به پاسخ مثبت، آیا امکان بازپرداخت دانش آینده‌پژوهی متناسب با مبانی اسلامی مقدور است یا صرفاً گزاره‌هایی محدود در متون اسلامی وجود دارد که یارای نوسازی آینده‌پژوهی اسلامی را ندارد؟ در ادامه باید به این پرسش پاسخ دهیم که آینده‌پژوهی اسلامی، در چه سطوحی متصور است؟

پاسخ به پرسش‌های فوق را در بستر کتاب نهج‌البلاغه می‌کاویم.

فرضیه آن است که آینده‌پژوهی (نظر به موضوع و هدف خود) امکان بازپرداخت اسلامی داشته و در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه کتاب نهج‌البلاغه، در سطوح گوناگون مورد توجه بوده و گزاره‌های فراوانی

1. Future Studies or Futures Studies

2. Jin

به آن اشاره دارند.

ضروری است هنگام بهره‌وری از گزاره‌های مرتبط با هر موضوع دانشی در متون اسلامی، فضاهای اختصاصی فکری<sup>۱</sup> مربوط به آن موضوعات و متون اسلامی، رعایت و هرکدام در جای خود مورد استفاده قرار گیرند. در پژوهش ذیل تلاش شده به این مهم پایبند باشیم.

## مبانی نظری

### پیشینه پژوهش

کنجکاوی و تفکر در مورد آینده، قدمتی به‌اندازه عمر بشر بر روی زمین داشته و در میان همه اقوام و جوامع وجود دارد (کارگر و وزیرزاده، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۱). برخی نظر به روند رشد تدریجی آینده‌پژوهی در اروپا در قرون ۱۳ تا ۱۵، تلاش نموده‌اند از نظر تاریخی آن را به سه نوع آینده‌پژوهی با توسل به خرافات (خرافی)، آینده‌پژوهی با توسل به ابزار علمی<sup>۲</sup> و آینده‌پژوهی با توسل به آموزه‌های وحیانی (دینی) بازگردانند (صادقی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اندیشمندان آمریکا، موضوع مطالعه آینده‌های ممکن را دنبال کردند. کوشش ایشان منتج به شکل یافتن سازمان‌ها و نظریات و برنامه‌های دانشگاهی گوناگون و تازه‌ای شد. در این دوران، جستجوی پژوهشگران برای بهبود ابزارهای تصمیم‌گیری در مورد آینده ادامه یافت. این در حالی بود که هنوز در علوم اجتماعی، ارزیابی‌های کیفی حکم‌فرما بود. با این جستجوها، تحلیل‌های کمی نیز در دهه ۱۹۶۰ در علوم اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای یافتند. آنچه مهم است حرکت آینده‌پژوهی در قرن بیستم، به تدریج نظام‌مندتر، تفصیلی‌تر و تخصصی‌تر شد. این حرکت منجر به شکل یافتگی دو پارادایم در مسیر آینده‌پژوهی گردید. پارادایم نخست، سنت دیرینه پیش‌بینی<sup>۳</sup> می‌باشد که ترکیبی از تفکر در مورد آینده و تفاسیر شهودی و تمثیلی<sup>۴</sup> است. این جریان فکری، دیدگاه‌ها و استدلال‌های خود را بر بنیان آینده قطعی (محتوم) و آثار جهان ارواح<sup>۵</sup> مطرح می‌کند. اما پارادایم دوم که جریان فکری مدرن به‌شمار می‌آید، استدلال‌ها و پیش‌بینی‌های خود را بر پایه آینده نامعین و احتمال‌ها با هدف کنترل، الگوسازی و آثار روندهای خارجی بنیان

۱. پارادایم‌ها

2. Scientific.
3. Age-old Prediction Tradition.
4. Mystic explanations.
5. World of Spirits.

می‌نهد (بهروزی لک و جلیلود، ۱۳۹۳، ص ص. ۶۰-۵۹). اما سخن از آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه دانشی مستقل ظاهراً به سال ۱۹۹۰ میلادی باز می‌گردد (Bell, 2003, p. 68). پس از آن دانشوران گوناگونی به‌صورت نظام‌مند به بحث و تبادل نظر در این‌باره پرداخته و اخیراً نیز در میان مسلمانان مورد تأمل قرار گرفته است.

در بررسی پیشینه آینده‌پژوهی بایستی نظر به پیشینه‌های تخصصی زیرموضوعات آینده‌پژوهی نیز داشت. گاه برخی بخش‌های آینده‌پژوهی همچون روش‌شناسی آینده‌پژوهی خود دارای پیشینه‌ای قابل اعتنا و مورد توجه هستند (برای نمونه عرب‌باقرانی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص ص. ۹۱-۸۹).

با گذشتن از پیشینه تخصصی آینده‌پژوهی به‌معنای غربی آن، در میان مسلمانان نیز اشخاصی چون «سردار» در کتاب «آینده تمدن اسلامی» و دیگران به بحث‌های مربوط به آینده‌پژوهی اسلامی پرداخته‌اند که در جای خود قابل بحث‌های تفصیلی است، (برای نمونه نصرافهانی و وقوفی، ۱۳۹۹، ص ص. ۷۵-۷۴؛ عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۳) به نقل یکی از دیدگاه‌های آینده‌پژوهان مسلمان پرداخته، سپس به موضوع تخصصی خود باز می‌گردیم.

«المنجره» به‌عنوان یکی دیگر از آینده‌پژوهان مسلمان، مفهوم غیب را که اختصاص به خداوند دارد و مفهوم مستقبل را که از نظر او دلالت بر پیش‌بینی یا به عبارت دقیق‌تر پیش‌نگری از تحولات دارد و در دست مردم است، از مفاهیم مهم آینده‌پژوهی اسلامی می‌داند (المنجره، ۱۹۹۰، ص ص. ۱-۲).

آینده‌پژوهی در ایران (براساس برخی تحقیقات) به سال ۱۳۲۷ باز می‌گردد. به‌نظر می‌رسد فعالیت آینده‌پژوهی ایرانی مبتنی بر روش دلفی<sup>۱</sup> به‌وسیله دکتر مجید تهرانیان صورت پذیرفت. وی از اندیشمندان کمک خواست تا آینده اجتماعی ایران را شناسایی کنند. در سال ۱۳۴۷ نیز جهان‌بگلو، چند مقاله درباره دورنگری را در انتشارات دانشگاه تهران منتشر نمود (پایا و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۱۲ و حیدری، ۱۳۹۳، ص ص. ۸۲-۸۱). فعالیت‌های غیرمستمر و ناپایداری درزمینه آینده‌پژوهی در سال‌های مختلف در کشور انجام شده است که برای نمونه می‌توان به نخستین تجربه ملی در حوزه آینده‌نگری فناوری به نام «پابلوت آینده‌نگری مناسب‌ترین فناوری‌های ایران ۱۴۰۴»<sup>۲</sup> و به‌اختصار «پامفا ۱۴۰۴» که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا بهمن ۱۳۸۸ انجام شد، اشاره نمود

1. Delphi Method.

2. Iran 1404 Pilot Foresight- The Most Appropriate Technologies for Iran.

(حیدری، ۱۳۹۳، ص. ۸۲).

اما در سال‌های اخیر، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی در زمینه آینده‌پژوهی به‌ویژه آینده‌پژوهی اسلامی به‌رشته تحریر درآمده است که سوگمندها نمی‌توان آنها را مانند حلقه‌های یک زنجیر در کنار هم قرار داد و تشتت و عدم سیاست‌گذاری در زمینه آینده‌پژوهی اسلامی (با چشم‌پوشی از برخی نهادهای اختصاصی)، که بتواند پژوهش‌های این حوزه را در سراسر کشور هم‌افزا نماید، قابل ملاحظه نیست.

در زمینه مطالعات و تحقیقات آینده‌پژوهی اسلامی تخصصی به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱. مقاله «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن کریم» نگاشته آقایان بهروزی‌لک و دهکردی (۱۳۹۸) تلاش نموده به الگویی دست یابد که براساس قرآن و عترت، به‌سوی ساخت تمدن اسلامی حرکت کند و بنیان نگاه خود را نیز بحث از آینده‌پژوهی می‌داند.

۲. در مقاله «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی» نوشته آقایان عیوضی و پدرام (۱۳۹۳)، تلاش شایان توجه و ارزنده‌ای ارائه شده تا مقدر بودن سخن از آینده‌پژوهی اسلامی را ثابت نموده و استدلالات تحقق آن را نیز مورد بحث قرار دهد.

۳. مقاله «مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی» نگاشته دکتر امید وقوفی (۱۴۰۰) نیز از جمله مقالاتی است که به پایه‌های ساخت آینده از منظر اسلام پرداخته و از توجه به سنت‌های الهی گرفته تا سایر ضرورت‌های ساخت آینده اسلامی را مورد اشاره قرار داده است.

۴. کتاب «آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن کریم» نگاشته آقای عالی‌نژاد (۱۳۹۵)، مقاله «جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات» (۱۳۹۴) و مقاله «درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی» اثر آقای منطقی (۱۳۹۱) و مقاله «ارزیابی مقدماتی مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه دین اسلام (با تأکید بر قرآن و نهج‌البلاغه)» از آقای رکوعی (۱۳۹۵) از جمله چندین کتاب و مقاله‌ای است که در دهه اخیر به بحث از نسبت اسلام با آینده‌پژوهی و به‌طور خاص، آینده‌پژوهی اسلامی<sup>۱</sup> پرداخته‌اند و هرکدام با وجود نقاط قوت و ضعف، بخشی از جورچین آینده‌پژوهی اسلامی را تکمیل نموده‌اند.

به‌نظر می‌رسد وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در موارد ذیل قابل ملاحظه

باشد:

۱. یافتن زوایای گسترده‌تری از آینده‌پژوهی ذیل مفاهیم آینده‌های محتوم و آینده‌های غیرمحتوم؛
  ۲. اتکاء به کتاب نهج‌البلاغه به‌عنوان مشهورترین متن شیعی و یکی از مهم‌ترین متون میان مسلمانان در دریافت مفاهیم اسلامی؛
  ۳. ارائه مستقیم اهم گزاره‌ها و مدالیل آینده‌پژوهی در متن مقاله به‌جای ارجاع محض به‌گونه‌ای که محققان و پژوهشگران محترم بتوانند نتیجه‌ای محصل در همین نوشتار در دست داشته باشند؛
  ۴. توجه به پیشینه آینده‌پژوهی و تلاش وافر در جهت پرهیز و احتراز از خلط میان مفاهیم گوناگون آینده‌پژوهی، اهداف این دانش و بسترهای فکری مکاتب مختلف.
- بر این پایه، در نوشتار پیش رو کوشیده‌ایم تصویری کلان از آینده‌پژوهی اسلامی مبتنی بر نهج‌البلاغه، پیشدید مخاطبان فرهیخته نهیم.

### نظام تعاریف و مصطلحات

#### مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی از منظرهای گوناگون تعریف شده است؛ گاه آن را از دید واژگان، گاهی بر پایه آثار و پیامدهای این دانش و گاه نیز عرفی تعریف نموده‌اند.

آنچه مشهورترین آینده‌پژوهان مورد بحث قرار داده‌اند آن است که آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند (Bell, 2003, p. 73). این تعریف توسط «وندل بل»<sup>۱</sup> مطرح شده است. «لمپرت» گفته است: آینده‌پژوهی یعنی فراهم آوردن امکاناتی برای افزایش آگاهی از آینده و کنترل آن؛ آینده‌پژوهی درصدد آن است تا تمامی توان و ظرفیت عوامل شکل‌دهنده آینده را در راستای تحقق مطلوب‌ترین آینده، به‌کار گیرد (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۵).

بر پایه تعاریف ارائه شده، برخی گفته‌اند: آینده‌پژوهی در ساده‌ترین و کامل‌ترین توصیف،

1. Wendell Bell.

کوششی نظام‌مند برای مطالعه آینده‌های ممکن<sup>۱</sup>، محتمل<sup>۲</sup> و مرجح<sup>۳</sup> ارزش‌های بنیادین، اسطوره‌ها و استعاره‌های یک جامعه است (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۳).

آینده‌های ممکن ناظر به پدیده‌هایی هستند که امکان وقوع دارند؛ برای کشف این نوع آینده‌ها، باید وضع موجود را با روش‌هایی جدید، متفاوت و در چارچوب‌های خلاقانه و جانبی بررسی کرد. در بحث از آینده‌های محتمل نیز به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستیم که در یک بازه زمانی معین و با توجه به مقتضیاتی ویژه، محتمل‌ترین آینده برای پدیده‌ای خاص چه خواهد بود؟ در این نوع آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهان به مطالعه شرایط موجود می‌پردازند تا پیش‌بینی‌های خود را بر آنها استوار سازند و از سویی دیگر نیز به بررسی روندها جهت‌دهی می‌کنند؛ روندهایی که از گذشته تا حال ادامه یافته‌اند. هدف از شناسایی و تحلیل روندها، آگاهی یافتن از رویدادهایی است که در گذشته نه چندان دور رخ داده‌اند. آینده‌های مرجح نیز دربردارنده رویدادهایی هستند که باید رخ دهند. «تافلر» معتقد است آینده‌پژوهان تلاش می‌کنند با جستجوی رؤیای‌پردازانه آینده‌های ممکن، بررسی منظم آینده‌های محتمل و ارزشیابی اخلاقی آینده‌های مرجح، انگاره‌هایی نو و بدیل از آینده بیافرینند (Toffler, 1978). آینده مطلوب نیز نوع دیگری از موضوعات آینده‌پژوهی است که هدف غایی در آن، شکل بخشیدن به آینده‌ای مطلوب برای جامعه است (Bell, 2003, p p. 80-73؛ عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۸۵-۸۳)

برخی نیز آینده‌پژوهی را مطالعه منظم آینده و علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب معنا نموده‌اند (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۲). «هنری دیوید» در تعریفی که در سال ۱۹۷۰ پیرامون چیستی آینده‌پژوهی ارائه نموده و ظاهراً از قدیمی‌ترین تعاریف آینده‌پژوهی است، می‌گوید: یک فرم و شکل فکری که در آن جامعه، آینده‌های محتمل و ممکن خود را در نظر می‌گیرد (دیوید، ۱۳۹۰، ص. ۹؛ علویان و جلودار، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۹).

در پژوهش‌های دیگران، حوزه علمی مطالعات آینده که همان آینده‌پژوهی نامیده می‌شود، به علم و هنر کشف آینده‌های ممکن و محتمل معنا شده تا به ساخت آینده‌های مطلوب خاتمه یابد (فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲؛ گلن گوردون، ۱۳۹۳؛ پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۳؛ تقوی گیلانی، ۱۳۷۹). باید این نکته را افزود که آینده‌پژوهی یک علم- فناوری است و بر این پایه، دارای دو

1. Possible futures.
2. Probable futures.
3. Preferable futures.



جنبه توصیفی و تجویزی است که به‌طور کامل درهم‌تنیده‌اند (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۴). این تعریف به‌خوبی گویای دو ویژگی آینده‌پژوهی است: اول اینکه آینده‌پژوهی، دانش اقدام است و برخلاف بسیاری از علوم مرسوم اجتماعی در دل خود با اقدام و تجویز نسبت استواری دارد. دوم اینکه آینده‌پژوهی به‌شدت ارزش‌مدار است و ارزش‌های فردی و اجتماعی پژوهشگر در آن دخیل است؛ چراکه مطلوبیت یا دلخواه بودن آینده‌هایی که به‌دنبال ساخت آن هستیم، بر ارزش‌های ما مبتنی است (عرب‌بافرانی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص. ۸۶). پیش‌تر نیز گفتیم آینده‌پژوهی، دانشی بی‌طرف نیست (جیان، ۱۳۸۷، ص. ۲۷) و می‌دانیم اگر قائل به‌وجود آینده‌پژوهی تعبیری<sup>۱</sup> - یا فرهنگی - شویم، دیگر می‌توان در این نوع از آینده‌پژوهی، حضور عنصر «پیش‌بینی» را در تعریف ضروری ندانیم؛ بلکه در این نوع از آینده‌پژوهی، دستیابی به بینشی ژرف از آینده از طریق مطالعه دیدگاه‌ها، تصویرها و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی، دستمایه پژوهشگر خواهد بود و برای اثربخشی آینده‌پژوهی در هر جامعه باید آن را بومی کرد (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۹-۱۹۸). همچنین مطالعات حوزه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی علم و فناوری نشان می‌دهند که جوهی از هر علم و یا فناوری، از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد (چالمرز، ۱۳۸۵، ص. ۳۶-۴۸).

### مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی

بنا بر آنچه پیش‌تر گفتیم، آموزه‌های اسلام می‌توانند منظر تازه‌ای از آینده را در برابر انسان بکشایند و به‌طور نظری و عملی نشان دهند که اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، ظرفیت‌های شگرفی برای حل‌وفصل مشکلات جهانی از فقر و بی‌عدالتی گرفته تا محیط زیست و اخلاق دارد. بنابراین طراحی نسخه‌ای از آینده‌پژوهی که از این منبع عظیم بهره‌جوید، ضروری به‌نظر می‌رسد. این ضرورت برای جوامع اسلامی بیشتر است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۳). بر این پایه برخی تلاش نموده‌اند تعاریفی متناسب با اهداف و آموزه‌های اسلامی از آینده‌پژوهی مطرح کنند. به‌نظر می‌رسد نخستین کسی که مفهوم آینده‌پژوهی اسلامی را مطرح نموده، «ضیاءالدین سردار» باشد. وی بحث خود از آینده را در سه زمینه مطرح می‌کند: آینده تمدن اسلامی، دانش اسلامی و رابطه بین اسلام و پست مدرنیسم (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۴). باید توجه داشت آینده‌پژوهی اسلامی برخلاف آینده‌پژوهی مرسوم که سکولار و غربی است،

نه تنها دین را کنار نمی‌گذارد؛ بلکه بر این باور است که منبع اصلی آینده‌پژوهی، دین اسلام است (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۵).

### جمع‌بندی و ارائه دیدگاه مختار در آینده‌پژوهی اسلامی

یکی از نقدهای مهم بر تعاریف ارائه شده از آینده‌پژوهی اسلامی، خلط میان آینده‌های محتوم و غیرمحتوم و آینده‌های تحت تصرف انسان و خارج از تصرف انسان است.

برای نمونه برخی نوشته‌اند: «آینده‌پژوهی اسلامی، مبانی و اصول موضوعه خود را از اسلام ناب اخذ می‌کند و نگاه به امر مقدس ظهور دارد؛ اما در صورت لزوم از ابزارها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی عرفی با رعایت ملاحظات خاص استفاده می‌کند» (مسلمی‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۹).

چنانکه پیداست این تعریف دو اشکال اساسی دارد: نخست آنکه آینده‌پژوهی را در امر مقدس ظهور، خلاصه می‌کند و دوم آنکه قائل به وجود ابزارها و تکنیک‌های عرفی برای آینده‌پژوهی است. حال آنکه بسیاری اندیشمندان مسلمان و غربی به پارادایمیک بودن و اختصاص‌یافتگی هر آینده‌پژوهی به تمدن و فرهنگ برخاسته از آن، اذعان نموده‌اند. در آینده‌پژوهی سکولار و غربی، هدف تأمین محض دنیا و تدوین برنامه‌هایی برای رسیدن به آینده مطلوب همان فرهنگ یعنی بهره‌وری و کام‌گیری نامشروع و مستکبرانه از امکانات مادی است (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۴، ص. ۱۱-۱۲). اما در آینده‌پژوهی اسلامی به‌دنبال برنامه‌ریزی برای دستیابی به آینده مطلوب اسلامی هستیم که همانا وصول کامل به قرب و رضوان الهی است. در این مسیر، بهره‌مندی پیروان اسلام حتی از دنیا با بهره‌وری غرب از دنیا، دارای اشتراک نیست تا بگوییم آنها به دنیای محض می‌نگرند و ما در کنار دنیا به آخرت؛ بلکه دقیق‌تر باید گفت: پیروان اسلام به‌دنبال آخرت هستند و دنیای مطلوبشان نیز در پرتو آخرت ایشان، سامان می‌یابد؛ از این رو در خاستگاه‌های علم و فناوری هیچ‌گاه با غرب به سامان نیستیم (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۳).

بنابراین، می‌توان آینده‌پژوهی اسلامی را در دو حوزه کلان تصویر نمود: حوزه نخست آینده‌پژوهی اسلامی به واکاوی عوامل مؤثر بر آینده مطلوب و مطالعه در چگونگی دستیابی به آن و حوزه دوم به تصویر آینده مطلوب از دیدگاه متون اسلامی اختصاص می‌یابد. بر این اساس، آینده‌پژوهی اسلامی، فرایند فهم و درک آینده مطلوب از منظر اسلام و سپس چگونگی و بایسته‌های حرکت به سوی آینده مطلوب اسلامی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

اگر تعریف فوق از آینده‌پژوهی اسلامی را بپذیریم، بهره‌مندی از روش اجتهاد در ادله اسلامی نیز مقدور می‌شود؛ زیرا بخشی از آینده‌پژوهی اسلامی، دریافت تصویر مطلوب اسلام از آینده‌های نزدیک و دور است؛ بخش دیگر نیز چگونگی وصول به آینده مطلوب خواهد بود.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های بنیادی به‌شمار می‌آید و روش تحقیق در نگاشته پیش‌رو مبتنی بر روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و تحلیلی - توصیفی است. بدین معنا که بر پایه اسناد کتابخانه‌ای، به تحلیل و توصیف داده‌ها پرداخته و از این رهگذر، مقاصد پژوهش خود را عرضه نموده‌ایم.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

نهج‌البلاغه به‌عنوان کتابی مشهور میان فریقین در تاریخ اسلام که ابعاد سیاسی و حکومتی آن بسیار مورد توجه قرار گرفته، در عرصه آینده‌پژوهی راهبردهای پرارج و ارزنده‌ای به‌دست می‌دهد. براساس پژوهش انجام شده در این کتاب، با سه نوع آینده از نگاه نهج‌البلاغه روبه‌رو هستیم:

۱. آینده محتوم (قطعی)؛

۲. آینده غیرمحتوم (غیرقطعی)؛

و باز آینده غیرمحتوم خود به دو گونه ذیل تقسیم می‌شود:

۱. آینده غیرمحتوم غیبی؛

۲. آینده غیرمحتوم عقلانی-عقلانی؛

در ادامه به معرفی انواع آینده از منظر نهج‌البلاغه پرداخته و نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم.

#### انواع آینده از منظر نهج‌البلاغه

##### ۱. آینده محتوم (قطعی)

این نوع از آینده از تصرف انسانی خارج و نه تنها افراد بلکه جوامع نیز امکان و توان تصرف در این بستر را ندارند؛ زیرا آینده‌های محتوم، آینده‌هایی هستند که در ابعاد کلان تاریخ، تصرف می‌کنند و این امر برای افراد و جوامع که خود ذیل تاریخ حرکت می‌کنند، امری نامقدور است.

آینده‌های محتوم، مستقیماً به اراده و فعل الهی بازگشت نموده و هنگامه و چگونگی پدیدآمدن آنها، در علم الهی مستور است. به میزانی که خداوند بشریت را از اخبار غیبی محتوم خود، آگاه نموده باشد، آنان نیز آگاهی یافته‌اند؛ اما آگاهی چیزی غیر از تصرف و دخالت در پدیدآوری است.

بر اساس روایات امامیه و کتاب نهج‌البلاغه، رستاخیز -یا همان قیامت- رجعت نیکان و بدان و ظهور منجی (عجل الله تعالی فرجه‌الشریف)، سه واقعه محتوم و قطعی هستند که افراد و جوامع در وقوع آنها هیچ‌گونه دخالت و تصرفی ندارند (حلی، ۱۴۲۱، ص. ۸۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص. ۳۶۶)؛ گرچه ممکن است در نزدیک‌شدن یا دورشدن دوران ظهور، اندکی اثرگذار باشند (عیاشی، ۱۳۸۱، ۱۵۴/۲).

### رستاخیز به مثابه آینده محتوم؛ بستری برای آینده‌پژوهی

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در عبارات گوناگون و با بیان‌های متعدد، حتمیت رستاخیز را به‌عنوان آینده‌ای قطعی و مقدرّ و خارج از تصرف انسان توصیف می‌فرماید. به برخی از اهمّ این عبارات در جدول ذیل اشاره می‌شود:

جدول ۱. رستاخیز؛ آینده‌ای محتوم

ردیف	متن	موضوع
۱	«حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَ الْأَمْرُ مَقَادِيرَهُ وَ الْحَقُّ آخِرُ الْخَلْقِ بِأَوَّلِهِ وَ جَاءَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا يُرِيدُهُ مِنْ تَجْدِيدِ خَلْقِهِ أَمَادَ السَّمَاءِ وَ فَطْرَهَا وَ أَرْجَ الْأَرْضِ وَ أَرْجَفَهَا وَ قَلَعَ جِبَالَهَا وَ نَسَفَهَا وَ دَكَّ بَعْضُهَا بَعْضًا مِنْ هَيْبَةِ جَلَالَتِهِ وَ مَخَوْفِ سَطْوَتِهِ وَ أُخْرِجَ مِنْ فِيهَا فَجَدَدَهُمْ بَعْدَ إِخْلَاقِهِمْ وَ جَمَعَهُمْ بَعْدَ تَفَرُّقِهِمْ ثُمَّ مِيزَهُمْ لَمَّا يُرِيدُهُ مِنْ مَسْأَلَتِهِمْ عَنْ خَفَايَا الْأَعْمَالِ وَ خَبَايَا الْأَفْعَالِ وَ جَعَلَهُمْ قَرِيبِينَ.» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۱۶۱-۱۵۸)	خطبه ۱۰۹
۲	«بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ وَ بِالْقِيَامَةِ تُزَلَفُ الْجَنَّةُ وَ تَبْرَزُ الْجَحِيمُ لِلْعَاوِينَ وَ إِنَّ الْخَلْقَ لَا مَقْصَرَ لَهُمْ عَنِ الْقِيَامَةِ مُرْقَلِينَ فِي مَضْمَارِهَا إِلَى الْعَايَةِ الْقُصْوَى.» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۲۱۹)	خطبه ۱۵۶
۳	«عِبَادَ اللَّهِ فَإِنَّ الدُّنْيَا مَاضِيَةٌ بِكُمْ عَلَى سَنَنِ وَ أَنْتُمْ وَ السَّاعَةُ [السَّاعَةُ] فِي قَرْنٍ وَ كَأَنَّهَا قَدْ جَاءَتْ بِأَشْرَاطِهَا وَ أَرَفَتْ بِأَفْرَاطِهَا وَ وَقَفَتْ بِكُمْ عَلَى صِرَاطِهَا وَ كَأَنَّهَا قَدْ أَشْرَفَتْ بِرِزْلَازِلِهَا وَ أَنَاخَتْ بِكُلِّهَا وَ انْصَرَمَتْ [انْصَرَفَتْ] الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا وَ أُخْرِجَتْهُمْ مِنْ حُضْنِهَا فَكَانَتْ كَيَوْمِ مَضَى أَوْ شَهْرِ انْقِضَى.» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۲۸۰)	خطبه ۱۹۰
۴	«إِنَّ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ تَخَفُّوْا تَلْحَقُوا فَابْنَمَا يَنْتَظِرُ بِأَوْلِكُمْ آخِرِكُمْ.» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۲۴۲)	خطبه ۱۶۷
۵	«وَ كَانَ الصِّحْحَةَ قَدْ أَتَتْكُمْ وَ السَّاعَةَ قَدْ غَشِيَتْكُمْ وَ بَرَزْتُمْ لِفَصْلِ الْقَضَاءِ.» (الشریف	خطبه ۱۵۷

ردیف	متن	موضع
	الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۲۲۱)	

بر این اساس، قیامت و رستاخیز به‌عنوان آینده‌ای محتوم است که حرکت انسان‌ها و جوامع به‌سوی آن از اختیار و تصرف آنها خارج و ناگزیر است. باید توجه نمود گرچه این واقعه، قطعی و محتوم است؛ اما برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی برای مواجهه و رویارویی بهتر و والاتر با آن می‌تواند موضوع آینده‌پژوهی قرار گیرد. در اینجا پرسش آن است که چه کنیم تا رستاخیز بهتری داشته باشیم؟ پاسخ این پرسش قطعاً دارای بساطت نیست؛ بلکه بایستی با روش اجتهادی در ادله و متون اسلامی تأمل نمود و شاخص‌های رویارویی نیکو با رستاخیز و در زمره نیکان قرارگرفتن را استخراج نمود. سپس متناسب با آن برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی را سامان داد؛ برنامه‌ریزی‌های آینده‌پژوهانه در این بستر سبب می‌شود اقدامات افراد و جوامع پیرو، منجر به رسیدن به آینده محتوم مورد تمایل و رغبت گردد. با این بیان، نمی‌توان پذیرفت که آینده‌های محتوم را خارج از بستر دانش آینده‌پژوهی بدانیم. برخی محققان، آینده‌های محتوم را نظر به عدم امکان ورود اجتهاد به‌عنوان یک روش علمی در این زمینه، آن را در دایره این دانش ندانسته‌اند (عرب‌بافرانی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص. ۸۹)؛ حال آنکه پیداست گرچه در کیف صورت‌بندی آن، دخالتی از سوی بشر نیست، اما در کیف رویارویی با آن واقعه، بشر مختار و قادر به تصرف و عمل است.

### رجعت به مثابه آینده محتوم؛ بستری برای آینده‌پژوهی

رجعت به‌معنای بازگشت نیکان و بدان پیش از قیامت و رویارویی صفوف حق و باطل برای غلبه جریان حق بر باطل است. این باور از باورهای ضروری امامیه است (پاکتچی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۱).

#### جدول ۲. رجعت؛ آینده‌ای محتوم

ردیف	متن	موضع
۱	وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَتَعَطْفَنَ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وِلْدَانِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۵۰۶؛ بيضون، ۱۴۱۷، ص. ۳۵۰)	حکمت ۲۰۹

رجعت نیز به‌عنوان یکی از وقایع قطعی و آینده‌های محتوم که در روایات امامیه به آن اشاره

شده است، می‌تواند در بستر آینده‌پژوهی تعبیری<sup>۱</sup> - یا فرهنگی - موضوعی برای آینده‌پژوهی باشد؛ زیرا در آینده‌پژوهی تعبیری، به دنبال دستیابی به بینشی ژرف از آینده از طریق مطالعه دیدگاه‌ها، تصویرها و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی هستیم (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص ص. ۱۹۹-۱۹۸).

### ظهور به مثابه آینده محتوم؛ بستی برای آینده‌پژوهی

ظهور منجی آخرالزمان، یکی از باورهای مشهور ادیان ابراهیمی است. بر این پایه، یکی از آینده‌های مشترک بین‌ادیانی و بین‌المللی، ظهور منجی و درگیری ایشان با ظالمان و مستکبران و به پیروزی رسانیدن مستضعفان و نیکان است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز بر پایه نقل سید رضی در نهج‌البلاغه به این آینده محتوم اشاره داشته‌اند.

#### جدول ۳. ظهور؛ آینده‌ای محتوم

موضوع	متن	ردیف
خطبه ۱۰۰	«خَلَفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ مَنْ تَقَدَّمَ مَرَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ دَلِيلَهَا (أَيَ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَكِثُ الْكَلَامِ بَطِيءُ الْقِيَامِ سَرِيعٌ إِذَا قَامَ فَإِذَا أَنْتُمْ أَلْتُمْ لَهُ رِقَابَكُمْ وَ أَسْرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ فَلَبِثْتُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطَّلِعَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ يَجْمَعُكُمْ وَ يَضُمُّ تَشْرُكُمُ (يقصد به الإمام المهدي عجل الله فرجه...)» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۱۴۶؛ بیضون، ۱۴۱۷، ص. ۳۴۹)	۱
خطبه ۱۳۸	حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا حُلُوقًا رَضَاعًا عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا أَلَا وَ فِي عَدُوِّ سَيَاتِي عَدُوٌّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَأْخُذُ الْوَالِيَّ مِنْ غَيْرِهَا عَمَّا لَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُهُ لَهَا الْأَرْضُ أَفَالَيْدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۱۹۵)	۲

آمادگی برای ظهور و بسترسازی نسبت به این واقعه نیز از ضرورت‌های آینده‌پژوهی است. برنامه‌ریزی‌های معطوف به ظهور، می‌تواند عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و... را دربرگیرد.

### ۲. آینده غیرمحتوم (غیرقطعی)

در اینکه آینده‌های غیرمحتوم، موضوع آینده‌پژوهی هستند، میان محققان تردیدی نیست. آینده‌های غیرمحتوم، آینده‌هایی هستند که افراد و جوامع در ساخت آنها متناسب با تصویر مطلوب خود، دخالت داشته و امکان تصرف دارند؛ گرچه نظر به مخلوق بودن آنها و توانایی محدودشان،

تصرف آنها را محدود بدانیم.

در نهج البلاغه، آینده‌های غیرمحتوم به دو گونه کلان، هویدا شده‌اند:

۱. آینده غیرمحتوم غیبی؛

۲. آینده غیرمحتوم عقلانی - عقلانی؛

### ۳. آینده غیرمحتوم غیبی

گونه نخست، آینده‌های غیرمحتومی هستند که به‌وسیله خبر غیبی توسط امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مبتنی بر علم الهی ایشان، اعلام شده‌اند. در مورد این اخبار غیبی - که نمونه‌های آن در ادامه خواهد آمد- باید گفت می‌توان آنها را نیز بستری برای آینده‌پژوهی اسلامی قرار داد؛ زیرا این اخبار غیبی از آینده‌های محتوم و غیرقابل‌گریز سخن نمی‌گویند. وقتی به متن نهج‌البلاغه و این نمونه‌ها مراجعه می‌کنیم می‌بینیم پدیداری آن وقایع در آینده‌های دور و نزدیک که به‌وسیله خبر غیبی به ما رسیده است، وابسته به رفتارهای اجتماعی است که جامعه از خود بروز می‌دهد. بر این اساس، برای عدم ابتلاء به آینده‌های نامطلوبی که توسط اخبار غیبی اعلام شده، برنامه‌ریزی جهت رفتارهای صحیح اجتماعی در مسیر پرهیز از آینده‌های غیرمحتوم غیرمطلوب تا رسیدن به آینده مطلوب، ضرورت می‌یابد.

### جدول ۴. اخبار غیبی؛ آینده‌های غیرمحتوم

ردیف	متن	موضوع	خبر غیبی
۱	«وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا أُعْلِمَ مِمَّا طَوَىٰ عَنْكُمْ غَيْبَهُ إِذَا لَخَرَجْتُمْ إِلَى الصُّعَدَاتِ تَبْكُونَ عَلَىٰ أَعْمَالِكُمْ وَتَلْنَدُمُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ وَتَرَكْتُمْ أَمْوَالَكُمْ لَأَحَارِسَ لَهَا وَلَا خَالَفَ عَلَيْهَا وَلَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّرئٍ مِنْكُمْ نَفْسَهُ لَا يَلْتَفِتُ إِلَىٰ غَيْرِهَا وَلَكِنَّكُمْ نَسِيتُمْ مَا ذُكِّرْتُمْ وَآمَنْتُمْ مَا حُدِّثْتُمْ فَتَاهَ عَنْكُمْ رَأْيِكُمْ وَتَشَتَّتَ عَلَيْكُمْ أَمْرُكُمْ وَكُوْدِدْتُ أَنَّ اللَّهَ فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَالْحَقَّقَنِي بِمَنْ هُوَ أَحَقُّ بِي مِنْكُمْ قَوْمٌ وَاللَّهِ مَيَّامِينَ الرَّأْيِ مَرَّاجِحِ الْحِلْمِ مَقَاوِيلُ بِالْحَقِّ مَتَارِيكُ لِلْبَغْيِ مَضُوءًا قُدَمَا عَلَى الطَّرِيقَةِ وَأَوْجَفُوا عَلَى الْمَحَجَّةِ فَطَفَرُوا بِالْعُقْبَى الدَّائِمَةِ وَ الْكِرَامَةِ الْبَارِدَةِ أَمَا وَاللَّهِ لَيَسْلَطَنَّ عَلَيْكُمْ غُلَامٌ تَقِيفُ الدِّيَالِ الْمِيَالُ يَأْكُلُ خَضِرَتِكُمْ وَيَذِيبُ شَحْمَتِكُمْ إِيَّهَ أَبَا وَدَحَةَ.» (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۱۷۴)	خطبه ۱۱۶	اشاره به داستان حجاج بن یوسف ثقفی که سال‌ها بعد رخ داد.

ردیف	متن	موضوع	خبر غیبی
۲	و من کلام له علیه‌السلام: فیما یخبر به عن الملاحم بالبصره: «یا أَحَنَفُ کَأَنِّیْ بِهِ وَقَدْ سَارَ بِالْجِیْشِ الَّذِیْ لَا یُکُونُ لَهُ غُبَارٌ وَلَا لَجَبٌ وَلَا قَعَقَعَةٌ لُجْمٍ وَلَا حَمْحَمَةٌ خَیْلٌ یُشِیْرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ کَأَنَّهُمْ أَقْدَامُ النَّعَامِ [قال الشریف یومی بذلك إلى صاحب الزنج].» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۵)	خطبه ۱۲۸	اشاره به وقایع بصره در سال ۲۵۵ قمری
۳	«کَأَنِّیْ أَرَاهُمْ قَوْمًا کَانَ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُّ [الْمُطْرَقَةُ] الْمُطْرَقَةُ یَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَ الدَّیْبَاجَ وَ یَعْتَقِبُونَ الْخَیْلَ الْعِتَاقَ وَ یُکُونُ هُنَاکَ اسْتِحْرَارًا قَتَلَ حَتَّى یَمِشَى الْمَجْرُوحَ عَلَی الْمَقْتُولِ وَ یُکُونُ الْمُقْلَتُ أَقْلًا مِنْ الْمَأْسُورِ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ لَقَدْ أُعْطِیتَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عِلْمَ الْغَیْبِ.» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۶)	خطبه ۱۲۸	اشاره به حمله مغول و اتراک

به نظر می‌رسد اخبار غیبی حضرت از آینده‌های بعد، ناظر به ویژگی‌ها و رفتار اجتماعی مردمانی باشد که در آن دوران و دوران‌های بعد داشته‌اند؛ زیرا در عبارات خطبه ۱۱۶ که ظاهراً به واقعه حجاج بن یوسف ثقفی اشاره دارد، حضرت می‌فرماید: «اگر نسبت به آنچه من خبر غیبی دارم، خبر می‌داشتید، نسبت به اعمال خود گریه می‌کردید.» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۱۷۴). این امر واگویی‌گر این نکته است که آن حضرت برای هدایت، رشد و بیداری مردمان، پیامد رفتارهای اجتماعی ایشان را به وسیله اخبار غیبی گوشزد می‌نمودند تا آنان نسبت به خود درنگ نموده و در نتیجه این درنگ، افراد و جوامع اصلاح شوند.

بر این پایه، اخبار غیبی که در نهج‌البلاغه و سایر کتب حدیثی امامیه وارد شده است و منحصر در زمان یا مکان خاصی نیستند و یا اخبار غیبی بوده‌اند که به وقوع پیوسته‌اند، می‌توانند محل مطالعه و پژوهش قرار گیرند تا مشخص شود کدام‌یک از رفتارهای اجتماعی و صفات جوامع، دارای عواقب و پیامدهای ناخوشایند و غیرمطلوب و کدام‌یک دارای پیامدهای مطلوب است. سپس بر این اساس، آینده‌پژوهان، ویژگی‌های تفصیلی جوامعی را که دچار پیامدهای نامطلوب شده یا برخوردار از بهره‌های مطلوب بوده‌اند، به دست آورده و بر آن پایه (و در صورت بررسی امکان تکرارپذیری و تخلف ناپذیری آنها)، می‌توانند به تجویز و اقدام برسند؛ زیرا آینده‌پژوهی دانشی است که تجویز و اقدام در متن آن حضور دارد و دانشی صرفاً نظری نیست.



#### ۴. آینده غیرمحتوم عقلانی - عقلانی

گونه دوم آینده‌های غیرمحتوم، آینده‌های عقلانی - عقلانی هستند. توضیح این دست آینده‌ها بدین شکل است که گاه با استدلال عقلی و فهم عقلانی از رفتارهای اجتماعی و شیوه حکمرانی می‌توان آینده‌ای را تصور نمود که پیامدهای مطلوب یا نامطلوبی به‌واسطه پابندی به رفتارهای خاص اجتماعی یا شیوه خاص حکمرانی خواهد داشت. برخی پژوهشگران بر آن هستند آینده‌های غیرمحتوم عقلانی - عقلانی، می‌تواند زمینه و بستری برای تلاقی و اشتراک فرهنگی جوامع گوناگون بوده و برای بهره‌مندی از مباحث آینده‌پژوهی غربی نیز نوعی کارآمدی و توجیه ایجاد نماید. این ادعا در محلی دیگر بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

برای توضیح بیشتر آینده غیرمحتوم عقلانی - عقلانی به یادکرد یک نمونه می‌پردازیم؛ کشورهایی که نسبت به استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و امنیت سرزمینی خود بی‌توجه باشند، بایستی در انتظار پیامد آن نیز باشند؛ پیامدی که جز طمع سایر کشورها به امکانات و منابع مادی این کشور و از میان رفتن امنیت سرزمینی آن نیست.

آینده‌های غیرمحتوم عقلانی - عقلانی در بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. آن حضرت ناظر به رفتارهای خاص مردمان در متابعت از حکومت یا نافرمانی آنان، شیوه مواجهه با مسائل اقتصادی جهان اسلام، شیوه رویارویی با دشمنان اسلام، شکل برخورد مردمان با امکانات مادی و سرمایه‌های سرزمینی و... آینده‌های مطلوب یا نامطلوب را برای مردمان خود ترسیم می‌فرمایند.

ترسیم آینده مطلوب یا نامطلوب در نتیجه برنامه‌های حاکمان، رفتار اجتماعی مردمان و... یکی از شئون و وظایف دانش آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی درصدد است برای رسیدن به آینده مطلوب برنامه‌ریزی نموده و ضمن تصویر نمودن آینده مطلوب، طریق رسیدن به آن را نیز با کمک سایر دانش‌ها تعیین نماید.

بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه، در این بستر بسیار می‌تواند راهگشا باشد. بر این اساس، نهج‌البلاغه و سایر کتب حدیثی امامیه به‌ویژه قرآن‌کریم، در ترسیم آینده مطلوب کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت و سپس تعیین طریق رسیدن به آن بایستی مورد توجه آینده‌پژوهان قرار گیرند. در ادامه به مطالعه برخی بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این باره می‌نشینیم.

## جدول ۵. پیامدهای عقلی اقدامات شایسته و ناشایسته؛ آینده‌های غیرمحتوم

ردیف	متن	موضع	توضیح
۱	<p>فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِكُمْ وَ أَحْضِرُوا قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَيْقِظُوا إِنَّ هَتَفَ بَكُمْ وَ لِيَصُدَّقَ رَأْيُ أَهْلِهِ وَ لِيَجْمَعَ شَمْلُهُ وَ لِيَحْضُرَ ذَهْنُهُ فَلَقَدْ فَلَقَ لَكُمْ الْأَمْرَ فَلَقَى الْخَرْزَةَ وَ قَرَفَهُ قَرَفَ الصَّمْغَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَاخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ وَ عَظُمَتِ الطَّآغِبَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعَفُورِ وَ هَدَرَ فَنِيْقَ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومِ وَ تَوَآخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكُذْبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْظًا وَ الْمَطْرُ قَيْظًا وَ تَفِيضُ النَّأَمِ فَيْضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غَيْضًا وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذَنَابًا وَ سَلْطَانِيْنُهُ سَبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أَكَالًا [أَكَالًا] وَ قُفْرَاؤُهُ أَمْوَاتًا وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكُذْبُ وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسْبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا وَ لَبَسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفُرُوقِ مَقْلُوبًا. (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۵۶)</p>	خطبه ۱۰۸	اشاره به وضعیتی که در آن باطل روی کار می‌آید و پیامدهای تاریخی - اجتماعی روی کار آمدن باطل
۲	<p>«فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۴)</p>	خطبه ۱۲۷	سنت تاریخی رقم خوردن سرنوشت‌ها با محوریت اجتماع
۳	<p>«أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدَّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَهُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ وَ لَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَ لَا الْحَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذُ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبُ بِالْحَقُوقِ وَ يَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَ لَا الْمَعْطَلُ لِلْسُّنَّةِ فَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۹)</p>	خطبه ۱۳۱	اشاره به برخی سنن تاریخی همچون هلاکت امت در نتیجه تعطیلی سنت
۴	<p>«إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَسْبِ الْبُرْكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُتُوبَ تَائِبًا وَ</p>	خطبه ۱۴۳	اشاره به سنت تاریخی ابتلاء هنگام انجام جمعی

ردیف	متن	موضع	توضیح
	يُقْلَعُ مَقْلَعٌ وَيَتَدَكَّرُ مُتَدَكِّرٌ وَيَزْدَجِرُ مُزْدَجِرٌ. (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۹۹)		اعمال ناپسند

نمونه‌های فراوانی در نهج‌البلاغه می‌توان یافت که رفتارهای اجتماعی، شیوه حکومت و منش حاکمان و... را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده و پیامدهای آن را بیان نموده است. بهره‌ای که می‌توان از این گزاره‌ها در نهج‌البلاغه برد آن است که اولاً این سخنان توسط امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به‌عنوان معصوم و دارای عصمت و علم الهی بیان گردیده و سپس پیامدهای عقلانی رفتارهای اجتماعی را گوشزد می‌نماید. بر این اساس، در بستر گزاره‌های آینده‌نگرانه نهج‌البلاغه به‌ویژه آنجا که به آینده‌های غیرمحتوم و مورد تصرف و اختیار انسان اشاره می‌کند، می‌توان رگه‌های آینده‌پژوهی اسلامی را جست و براساس آنچه از این گزاره‌ها و در کنار هم نهادن آنها با آیات قرآن کریم و سایر روایات معتبر با روش اجتهادی به‌دست می‌آید، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را رقم زد. یکی از نمونه‌های جالب توجه در این بستر نیز فرمان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به مالک اشتر در اداره مصر است که به منشور حکومتی آن حضرت مشهور بوده و به‌عنوان نامه ۵۳ نهج‌البلاغه توسط سید رضی درج گردیده است (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۴۲۶)

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱. به‌نظر می‌رسد آینده‌پژوهی به‌مثابه دانشی نوپدید می‌تواند بستری برای طرح موضوعات اسلامی و برنامه‌ریزی‌های مسلمانان معطوف به آینده‌های مطلوب از نظر دین اسلام قرار گیرد.
۲. با نظر به متون اسلامی به‌ویژه نهج‌البلاغه به‌دست می‌آید دوگونه آینده‌های محتوم و آینده‌های غیرمحتوم از منظر این متون وجود دارد که با بررسی به‌عمل آمده، هر دوگونه آینده می‌تواند بستر آینده‌پژوهی اسلامی باشد؛ زیرا در آینده‌های غیرمحتوم، امکان تصرف انسانی و برنامه‌ریزی و رسیدن به آینده مطلوب وجود دارد و در آینده‌های محتوم نیز گرچه امر از تصرف انسان خارج است، اما شیوه رویارویی و شکل مواجهه افراد و جوامع با آینده‌های محتوم، بسته به برنامه‌های اجتماعی و رفتارهای فردی آنان دارد.

۳. آینده‌های غیرمحتوم، خود شامل آینده‌های غیرمحتومی که با اخبار غیبی به دست می‌آید و آینده‌های غیرمحتومی که عقلاً می‌تواند نتیجه رفتارها و پیامد برنامه‌ریزی‌های اجتماعی حکومت‌ها باشد، می‌شود.
۴. آینده‌پژوهی اسلامی، دانشی نظری نبوده و همچنان‌که در تعریف آینده‌پژوهی مدرن نیز عنصر تجویز و اقدام از ارکان تعریف به‌شمار می‌آید، در آینده‌پژوهی اسلامی نیز بستر پژوهش در آینده‌های محتوم و غیرمحتوم، بایستی به تجویز و اقدام خاتمه یابد.
۵. آینده‌های محتوم که شامل رستاخیز، رجعت و ظهور می‌شود، به‌عنوان آینده‌های کلان و دورنمای تمامی آینده‌هایی است که از نظر انسان مسلمان و حکومت اسلامی و تمدن اسلامی، مطلوب به‌شمار می‌آید؛ بر این پایه می‌بایست تمامی برنامه‌ریزی‌های اختصاص‌یافته به آینده‌های غیرمحتوم تا رسیدن به آینده مطلوب، معطوف به آینده آرمانی باشد که خاتمه حضور انسان در عالم هستی و انتقال او به عوالم دیگر می‌باشد.
۶. پیشنهاد می‌گردد با محور قراردادن قرآن‌کریم و کتب حدیثی امامیه، شاخص‌های آینده مطلوب توسط آینده‌پژوهان با هم‌یاری متخصصان علوم دینی به‌صورت نظام‌مند و محدود استخراج شده و باز بر مبنای همان متون اسلامی، طریق دستیابی به آینده‌های مطلوب متناسب با بازه‌های زمانی کوتاه، میانه و بلند تنظیم و ارائه گردد.
۷. تدوین دانشنامه آینده‌پژوهی اسلامی مبتنی بر متون اسلامی می‌تواند ایده‌ای برای گردآوری متون آینده‌نگرانه اسلامی باشد تا بستر پژوهش بیشتر آینده‌پژوهان مسلمان را فراهم آورد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی و عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الأخبار. اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۴). نواندیشی برای هزاره نوین. ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی. ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، اول، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بهروزی‌لک، غلامرضا و جلیلود، محمدرضا (۱۳۹۳). سیر تحولات فرارشته، مطالعه موردی آمریکا. نشریه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۷ (۱).
- بهروزی‌لک، غلامرضا و دهکردی، علی جعفر (۱۳۹۸). مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن ساز مبتنی بر قرآن کریم. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۳.
- بیضون، لیب (۱۴۱۷). تصنیف نهج البلاغه. سوم، قم، مرکز الإعلام الإسلامي.
- پاکتیچی، احمد (۱۳۸۸). رجعت؛ دانشنامه بزرگ اسلامی. تهران. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پایا، علی و همکاران (۱۳۹۴). آشنایی با برخی از تجارب آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی در جهان. اول، تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- تقوی گیلانی، مهرداد و غفرانی، محمدباقر (۱۳۷۹). مطالعات و روش‌های آینده‌شناسی. نشریه رهیافت، ۳ (۲۲).
- جین، جوئینگ (۱۳۸۷). تغییرات فناوری به‌سوی فناوری‌های نرم. ترجمه رضا حسنوی و شهریار سلامی، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- چالمرز، آلن فرانسیس (۱۳۸۵). چیستی علم. ترجمه سعید زیباکلام، تهران، سمت.
- چاووشی، ناصر (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای آینده‌پژوهی اسلامی و غربی با کاربرد طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره ۵.
- حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱). مختصر البصائر. اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
- حیدری، امیرهوشنگ (۱۳۹۳). مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی. فصلنامه علمی-ترویجی ترویج علم، ۵ (۷).
- دیوید، هنری (۱۳۹۰). مفاهیم و روش‌های آینده‌پژوهی. ترجمه مسعود منزوی، اول، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
- رکوعی، ایمان (۱۳۹۵). ارزیابی مقدماتی مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه دین اسلام (با تأکید بر قرآن و نهج‌البلاغه). نشریه آینده‌پژوهی ایران، ۱ (۱).
- الشریف الرضی، السید محمد بن الحسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. تصحیح الصبحی الصالح، قم، هجرت.
- صادقی، عبدالمجید (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی با رویکرد دینی. دوم، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- عالی‌نژاد، صمد (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن کریم (مبانی، اصول و روش‌ها). قم، زمزم هدایت.

- عرب بافرانی، محمدرضا و عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۶). درآمدی بر آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه. نشریه مدیریت اسلامی، ۲۵ (۳).
- علویان، مرتضی و حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، آینده‌پژوهی از منظر آموزه‌های دینی. فصلنامه قرآن و علوم بشری، ۳ (۲).
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۸۸). تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها نظریه و موردکاوی‌های یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول‌ساز آینده‌پژوهی (مجموعه مقالات). ترجمه مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱). تفسیر العیاشی. تهران، انتشارات مکتبه‌الإسلامیه.
- عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۳). امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی. نشریه مشرق موعود، ۸ (۲۹).
- فاتح‌راد، مهدی؛ جلیلود، محمدرضا و نصراللهی وسطی، لیلا (۱۳۹۲). درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی. نشریه مطالعات آینده‌پژوهی، ۲ (۸).
- فارگر، رحیم و وزیرزاده، محمدهاشم (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی و غربی. نشریه پژوهشنامه موعود، ۲ (۲).
- گلن، جروم سی و گوردون، تئودور جی (۱۳۹۳). دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی. تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- مسلمی‌زاده، طاهره (۱۳۸۴). پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی. اول، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ملکی‌فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵). الفبای آینده‌پژوهی (علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا). بی‌جا، انتشارات کرانه علم.
- منطقی، محسن (۱۳۹۱). درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی. نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱ (۴).
- نصر اصفهانی، علیرضا و وقوفی، امید (۱۳۹۹). روندهای حاکم بر آینده شیعه. نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۱ (۲).
- وقوفی، امید (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی. نشریه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۲).

## ب. منابع انگلیسی

- Bell, W. Foundations of Futures Studies (2th ed), New Jersey: Transaction Publishers, 2003.
- Toffler, A the Third Wave, New York: Bantam Books, 1991.